

منجر شود. متأسفانه، این شورادرگیر بازی‌های مدیریتی و جناحی شده و در مصاحبه‌ها و گزارش‌های چهل‌مین سالگردش، تنها به فعالیت‌های مدیریت کنونی پرداخته می‌شود و از شوراهای قبلی هیچ یاد نمی‌شود. امیدواریم عرصه فرهنگ در کشورمان از یک موضوع سیاسی به یک موضوع ملی تبدیل گردد. پیشنهاد می‌شود شوراهای فرهنگی به تهیه‌گزارشی از چهل سال فعالیت‌های خود بپردازد و تا پایان سال ۱۴۰۳ گزارشی از دستاوردهای تمامی دوره‌ها ارائه کند.

برای بهبود وضعیت فرهنگی کشور و تحقق اهداف شورای عالی انقلاب فرهنگی، نیاز به یک بازنگری جدی در ساختار و اهداف این شورا وجود دارد. ایجاد یک شورای فرهنگی متشکل از شخصیت‌های علمی و فرهنگی معتبر و مستقل، می‌تواند زمینه‌ساز تحولاتی مثبت در عرصه فرهنگ کشور باشد. همچنین، نیاز است که این شورا به‌عنوان یک نهاد مستقل و غیرسیاسی عمل کند و از فشارهای سیاسی و امنیتی دور بماند. تجربه کشورهایمانند هند که مراکز مطالعاتی مستقل و برجسته‌ای در حوزه‌های مختلف فرهنگی و علمی دارند، می‌تواند به‌عنوان الگویی مناسب برای ایران مورد توجه قرار گیرد. در این کشورها، متفکران و پژوهشگران به‌دور از فشارهای سیاسی، آزادانه به تحقیق و پژوهش می‌پردازند و نتایج آن به‌عنوان راهنمایی برای سیاست‌گذاران مورد استفاده قرار می‌گیرد.

در نهایت، به نظر می‌رسد که شورای عالی انقلاب فرهنگی در چهار دهه گذشته نتوانسته است به‌خوبی به اهداف خود دست یابد و نیاز به بازنگری جدی در ساختار و رویکردهای آن وجود دارد. با توجه به چالش‌های فرهنگی پیشرو، اصلاحات اساسی در این نهاد می‌تواند موجب تحولی مثبت در فرهنگ کشور شود. به‌منظور دستیابی به این هدف، نیاز است که سیاست‌گذاران به‌صورت جامع، علمی و مستقل از فشارهای سیاسی انجام شود و اعضای شورا از مرجعیت علمی و فرهنگی برخوردار باشند.

*دانشجوی دانشگاه امام صادق (ع)



یکی دیگر از مشکلاتی که شورای عالی با آن روبه‌رو است اینکه اکثر اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی مرجعیت فرهنگی هستند و به جای آنکه از شخصیت‌های علمی و فرهنگی کشور تشکیل شود، این شورا بیشتر متشکل از افراد سیاسی و اجرایی است

فرهنگی در حکم قانون است ولی قانون نیست! همین نکته باعث شده است که دولت قدرت این را داشته باشد که بعضی از مصوبات را اجرایی نکند چراکه مصوبات در حکم قانون است و خود قانون نیست. ضمن اینکه شورای عالی اصلاً قدرت پیگیری اجرای اسناد را نیز ندارد. البته این مشکل قانونی شورای عالی انقلاب فرهنگی مربوط به سال‌های اخیر نیست و ریشه در دهه ۶۰ دارد. در مردادماه ۱۳۶۱، دولت لایحه‌ای تحت عنوان «لایحه تشکیل شورای عالی انقلاب فرهنگی» به تصویب رساند و آن را با قید فوریت به مجلس ارائه کرد. این اقدام در پی بروز اختلافاتی میان برخی اعضای هیات دولت و ستاد انقلاب فرهنگی صورت گرفت و هدف دولت مشخص کردن جایگاه قانونی مصوبات این ستاد بود. با این حال، مجلس به این لایحه توجهی نکرد و ستاد نیز به فعالیت‌هایش با همان ساختار قبلی ادامه داد. تا اینکه در تاریخ ۱۹ آذر ۱۳۶۳، امام خمینی (ره) با صدور حکمی، اعضای ستاد انقلاب فرهنگی را ابقا کرده و با افزودن چند چهره فرهنگی، برای نخستین بار از این نهاد به‌عنوان شورای عالی انقلاب فرهنگی یاد کردند. پس از این فرمان، شورای عالی انقلاب فرهنگی هرگز به‌صورت لایحه یا طرحی در مجلس شورای اسلامی مطرح نشد و تا به امروز به همان فرمان اولیه بسنده شده است. در هر حکومتی، ساختار مشخصی برای سازمان‌دهی سیاسی وجود دارد که به وسیله آن جامعه مدیریت می‌شود. بخش عمده این ساختار در قانون اساسی هر کشور تعریف شده و قوانین جزئی‌تر نیز در مجلس قانون‌گذاری به تصویب می‌رسند. بر این اساس، انتظار می‌رفت برای تثبیت جایگاه شورای عالی انقلاب فرهنگی، مبنای قانونی این شورا به یکی از اشکال مذکور مستند گردد تا اقتدار و اعتبار آن نزد افکار عمومی افزایش یابد. با این حال، این موضوع در شورای عالی انقلاب فرهنگی به‌طور جدی پیگیری نشد و در سال‌های اخیر، همین امر به چالش‌های پیش روی این نهاد کلیدی افزوده است. در حالی که رهبر معظم انقلاب بارها بر اهمیت شورای عالی انقلاب فرهنگی تأکید کرده‌اند، برخی همچنان بر این باورند که جایگاه این شورا در ساختار سیاسی جمهوری اسلامی ایران به‌درستی تعیین نشده است. این وضعیت نشان‌دهنده ضعف ساختاری و عدم هماهنگی میان نهادهای مختلف کشور است.

نیاز به گزارشی جامع از تمام فعالیت‌های چهل ساله

ای کاش در چهل‌مین سالگرد تأسیس این شورا، یک گزارش جامع و منظم از تمامی فعالیت‌های این چهل سال ارائه می‌شد تا ناخبران و صاحب‌نظران بتوانند آن را مورد بررسی قرار دهند. چنین گزارشی نه تنها به سؤالات افکار عمومی پاسخ می‌دهد، بلکه فضایی برای رشد و پیشرفت شورا ایجاد می‌کند و می‌توانست به بازنگری‌های اساسی و اصلاحات بنیادین

توجه بیشتری به عرف و عموم جامعه دارند و با واقعیت‌های ملموس و عینی جامعه بیشتر در ارتباط هستند. از طرف دیگر اعضای انتصابی به علت انقطاع از جامعه و بی‌نیازی از تأیید اجتماعی، صرفاً به دنبال آرمان‌ها و ارزش‌ها هستند. این آرمان‌ها و ارزش‌ها به هیچ وجه بد نیست و بسیار هم لازم است اما در شرایطی که جامعه ایران دچار چندپارگی و گسست شده است، این آرمان‌ها و ارزش‌ها می‌تواند از طرف بخشی از مردم نادیده گرفته شود و یا حتی طرد شود.

ترکیبی که موجب قفل شدگی شده است

این ترکیب شورا، وضعیت را پدید آورده است که تقریباً به قفل شدگی آن منجر می‌شود. این شورا با تفاوت اساسی اعضا در خواستگاه و اهدافشان، نه تنها در درون خود و برای تصویب مصوبات و اسناد دچار مشکل می‌شود بلکه در گام بعدی برای ابلاغ و اجرای آن مصوبات هم به چالش می‌خورند. همانطور که در این چند دهه بارها شاهد این مسأله بودیم که اعضای از درون شورا به مصوبات شورا اعتراض داشته‌اند و نه تنها از عملکرد شورایی که خود در آن بوده‌اند دفاع نکردند بلکه به نقد آن هم پرداختند.

یکی دیگر از چالش‌های اصلی شورای عالی انقلاب فرهنگی، عدم قدرت اجرایی و ضمانت اجرای مصوبات آن است. در حالی که این شورا به‌عنوان نهاد تصمیم‌ساز فرهنگی کشور شناخته می‌شود، اما در عمل، مصوبات آن غالباً توسط قوه مجریه نادیده گرفته می‌شود. این مسأله خود بیانگر دو ایراد اساسی است:

«باور کنید که شورای عالی انقلاب فرهنگی قرارگاه مرکزی کشور است؛ باور کنید که اینجا فرماندهی مسائل عمده فرهنگی کشور و سیاست‌گذاری کشور را بر عهده دارد؛ اعضا بایستی به این توجه کنند.» بیانات مقام معظم رهبری. ۱۳۹۲/۱۲/۱۹

اول اینکه اصلاً قرار نبود شورای عالی، شورای عالی باشد! قرار بود «قرارگاه»ی باشد که افراد مختلف با توانایی‌ها و ظرفیت‌های متفاوت در آن حضور دارند و برای تحقق هدف «انقلاب فرهنگی» تلاش می‌کنند. وقتی صحبت از «قرارگاه» می‌شود یعنی اینکه اعضای قرارگاه محدود به چند نفر اعضای انتصابی و انتخابی نمی‌شود و هر فرد دغدغه‌مندی در حوزه فرهنگ می‌تواند در آنجا به کمک جبهه انقلاب بیاید. همچنین در مفهوم «قرارگاه» این بخش نهفته است که باید قرارگاه بازوی اجرایی هم داشته باشد. یعنی قرارگاه هیچ موقع صرفاً محل تصویب اسناد بالادستی نبوده و نیست. بخشی از قرارگاه باید به کارهای نظری بپردازد اما بخش دیگر باید به کارهای اجرایی و میدانی مشغول باشد. در این صورت است که قرارگاه با واقعیات میدانی و حقیقی جامعه آشنا می‌شود و می‌تواند با خوداصلاح‌گری و بازبینی اسناد و مصوبات خود، بیش از پیش در امر فرهنگ اثرگذار باشد. دوم اینکه مصوبات شورای عالی انقلاب

